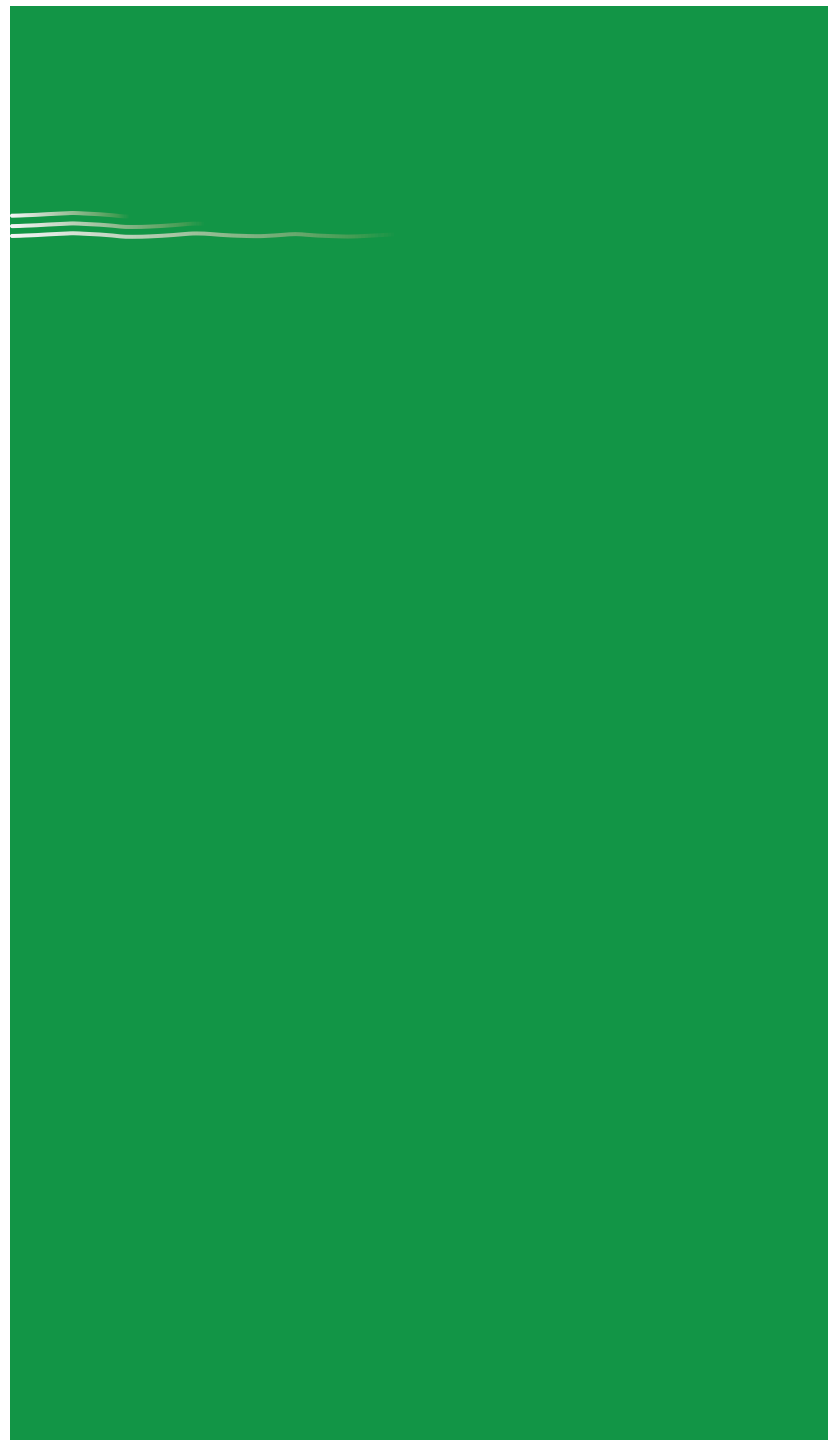




هو اللطيف

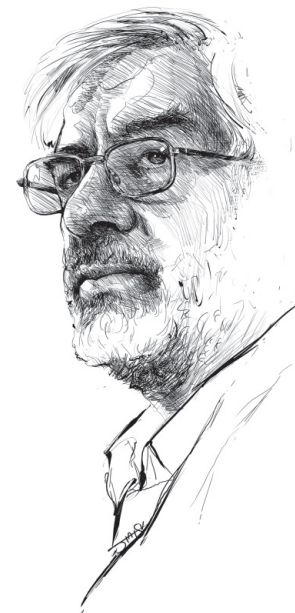
میرحسین موسوی

راهنمای راه اندازی و اداره ستادهای مردمی



- ۷ میر حسین نخست وزیر
- ۱۱ میر حسین رئیس جمهور
- ۲۲ حامیان انتخاباتی

- ۲۵ ستاد مردمی هم سو چیست
- ۲۹ چگونه ستاد مردمی تشکیل دهیم
- ۳۰ وظایف ستاد مردمی
- ۳۲ بایدها و نبایدهای ستاد مردمی
- ۳۵ اطلاعات ضروری



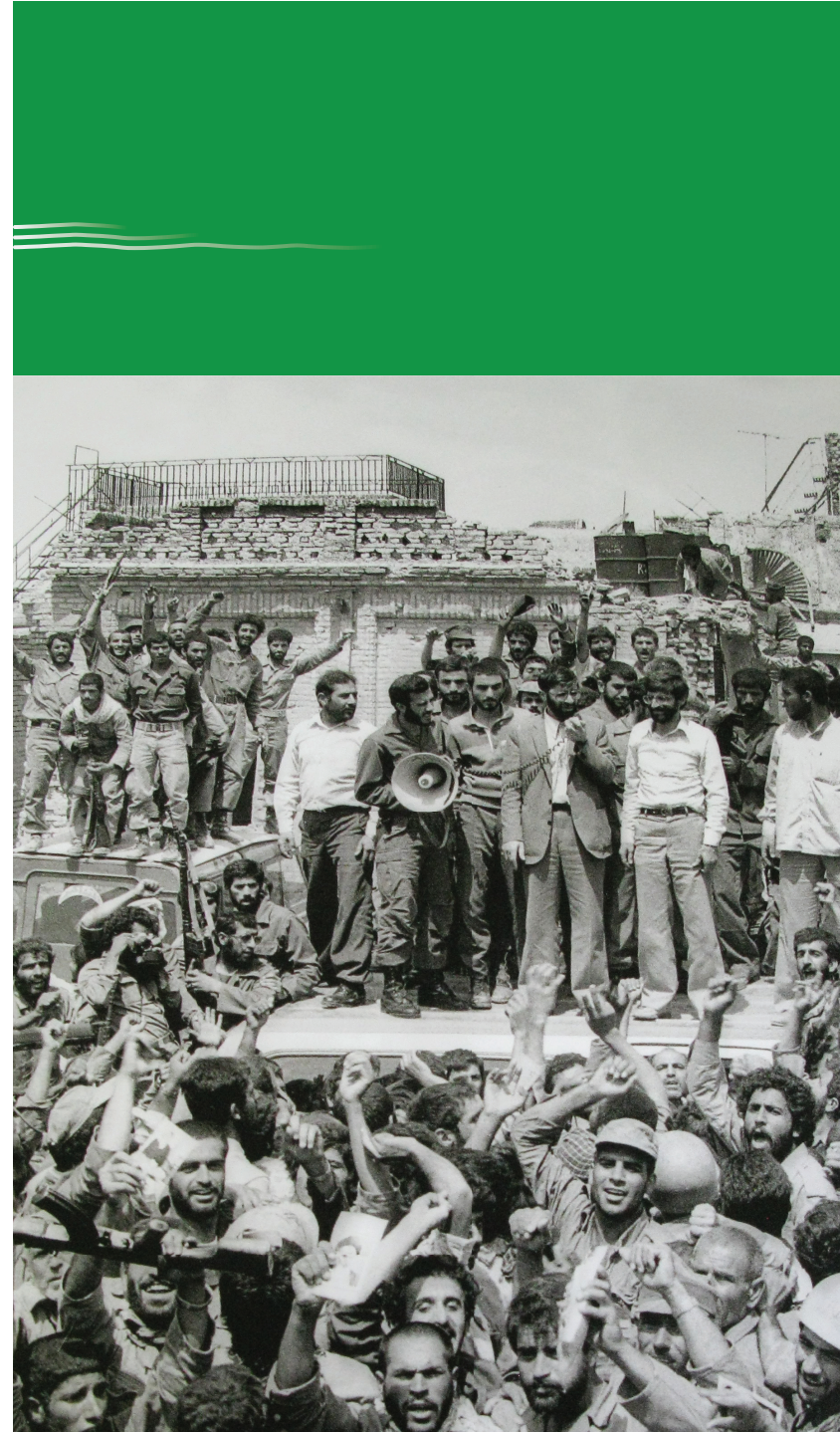
این مستند به عنوان راهنمای عمل ستادهای مردمی، به حضور همه کسانی که می خواهند در فعالیتهای انتخاباتی مهندس میر حسین موسوی مشارکت کنند، تقدیم می گردد.

پرسش ها و پیشنهادهای خود را می توانید با مراجعه به پایگاه اینترنتی www.1-irani.com، ارسال پیام به نشانی الکترونیکی mardom@1-irani.com، تماس تلفنی با شماره ۲-۶۶۹۷۲۹۹۰ (۰۲۱) یا ارسال پیامک به شماره ۱۰۰۰۱۳۸۸ در میان بگذارید.

میرحسین نخست وزیر

جمهوری اسلامی ایران پنج نخست وزیر به خود دیده است. از این میان، چهار نفر نخست در مجموع سه سال بر این مسند نشسته اند و پنجمی، هشت سال. شاید به همین دلیل، «نخست وزیر» در حافظه تاریخی ما تنها با یک نام همراه شده است؛ نامی که به خلاف عادت متداول، با لقبی چون دکتر و استاد و... همراه نیست: «میرحسین موسوی»، و البته گاهی فقط همان نام کوچک کم یاب و دوست داشتنی «میرحسین».

میرحسین موسوی پیش از انقلاب استاد یار دانشگاه ملی (شهید بهشتی) بود. پس از انقلاب مدتی عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و وزیر امور خارجه بود؛ تا این که در سال ۱۳۶۰ بر مسند نخست وزیری نشست. او هشت سال نخست وزیری کرد؛ آن چه طی این سال ها پیش روی خود داشت، کشوری بود رنج دیده از سلطنتی طولانی و بیدادگر، که توده عظیمی از مردم را از اولین امکانات زندگی محروم می داشت، و فتنه هایی که برای



فرونشاندن انقلاب اسلامی، از هر سو سر بر می‌آورد. دولت میرحسین جوان سالی ۷ میلیارد دلار درآمد ارزی داشت و بودجه‌ای که کم‌تر از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بود. با این مبالغ اندک، باید جنگ را اداره می‌کرد و نیازهای مردم را نیز برمی‌آورد و در کنار این‌ها، زیرساخت‌های صنعتی و بازرگانی کشور را از نو می‌ساخت. علاوه بر این، در همه این سال‌ها، دولت او از نامهربانی‌های دوستان افراطی نیز برکنار نبود. اما میرحسین در این اوضاع نابه‌سامان، رکورد کم‌ترین میزان تورم در ۵۲ سال اخیر را به‌جای گذاشت.

در این میان، مایه امید و قوت دولت بیش از هر چیز حمایت قاطع امام^۲ بود از شخص میرحسین، که چه در آغاز تصدی نخست‌وزیری و چه در بحران‌های سیاسی دیگر که گاهی تا مرز استعفای میرحسین نیز پیش رفت، آشکارا بروز می‌یافت. مشهور است که امام تنها دو تن را به نام کوچک می‌خواند؛ یکی پسرش احمد^۳ و دیگری میرحسین.

آخرین ماه‌های دولت میرحسین هم چنان در تندباد حوادث گرفتار بود؛ حمله آمریکا به هواپیماها و کشتی‌های ایرانی، پذیرش آتش‌بس در جنگ با عراق، آغاز تدوین قانون اساسی جدید، و از همه مهم‌تر، بیماری سختی که امام خمینی^۴ را در مدتی کوتاه، از میان مردم برد.

قانون اساسی جدید (۱۳۶۸) نخست‌وزیر نداشت. این شاید استعاره‌ای از رویدادهای بی‌شمار دیگری بود، که در نهایت میرحسین را خانه نشین کرد. میرحسین، نخست‌وزیر امام از این دوران به بعد، به پشت پرده مدیریت کلان کشور کوچ کرد.

اما این پرده‌نشینی هرگز به بازنشستگی سیاسی تعبیر نشد. میرحسین در این سال‌ها، علاوه بر نقش آفرینی‌های موردی در عرصه سیاسی، و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست فرهنگستان هنر، تقریباً همیشه، در آستانه هر نوبت از انتخابات ریاست جمهوری نگاه‌ها را به سوی خود متوجه کرده است. محبوبیت او در میان توده مردم، هم چنان بی‌همتا است.

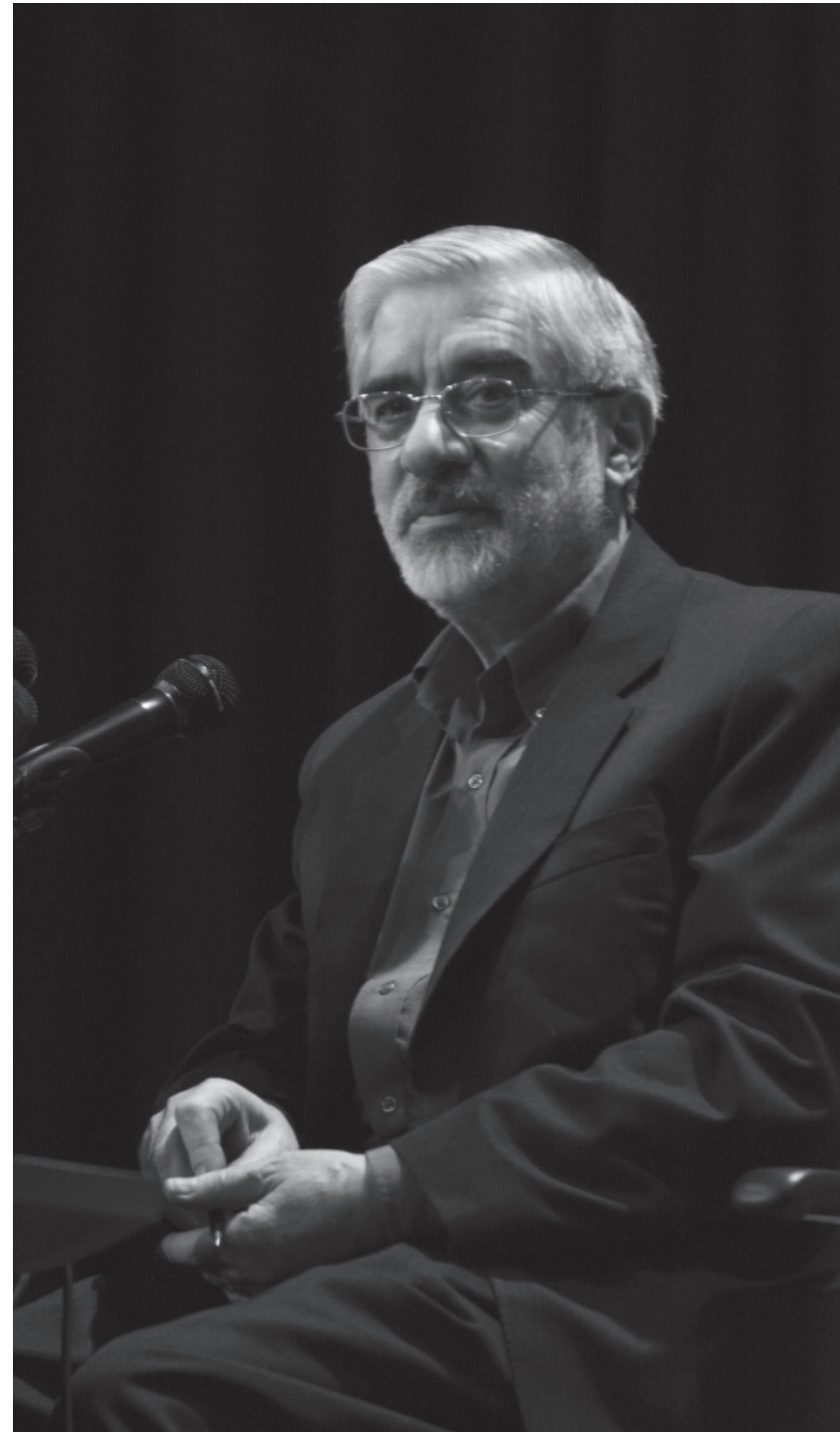


میرحسین رئیس جمهور

می توانست نیاید. نخست وزیر امام با تصدی ریاست جمهوری جز افتخار خدمت بیشتر به مردم، اعتباری بیش از آن که دارد به دست نخواهد آورد. پس چرا آمد؟ بیست سال پس از خداحافظی با مهم ترین مسند اجرایی کشور، چرا باید دوباره به میدان خطیر اداره کشور پا می گذاشت؟

میرحسین هنوز فرصت زیادی برای سخن گفتن در این باره نداشته است؛ آن چه در پی می آید، گزیده کوتاهی است از سخنان او، که در مقاطع مختلف، به ویژه در چند ماه اخیر به زبان آورده است:

۱ در اول انقلاب نمی شد چنین تصور کرد که حتی با ظاهر خداپسندانه به نام دین، نماینده مجلس را تطمیع کرد. این درد بزرگی در کشور است، که خیلی چیزها قابل خرید و فروش کردن نبود؛ اما هم اکنون قابل خرید و فروش شده است. امروز در غلتیدن جامعه به سمت جامعه سوداگر است، که امکان می دهد فردی امید ببندد با پول بتواند رأی



نمایندگان را بخرد، یا فردی با وعده پنج میلیونی برای هزینه کردن مثلاً در فلان مسجد در فکر تطمیع نمایندگان باشد.

۲ معتقدم که در تصمیم‌گیری‌ها از عقل جمعی و کارشناسان استفاده نمی‌شود. کارشناسان دشمن مسئولان نیستند. در صورتی که در تصمیم‌گیری‌ها از عقلانیت جمعی استفاده کنیم، یقیناً می‌توانیم راه‌حلی برای رهایی از بحران‌های پیش روی کشور بیابیم. نمی‌توان تصمیمات یک فرد را جایگزین شورای پول و اعتبار کرد. جای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را با چیز دیگری نمی‌توانیم پر کنیم. هیچ کشوری بدون برخورداری از یک فضای جمعی پیشرفت نکرده است.

۳ اگر قرار باشد افرادی که تجربه خوبی در مدیریت کشور داشته و دارند، در بهترین سال‌های تجربه خود کنار گذاشته شوند، ضایعه‌ای بزرگ برای کشور خواهد بود. در سال‌های گذشته دیدم مدیرانی برکنار شدند که در اول انقلاب در یک دوره بحرانی کشور را اداره می‌کردند، معجزه کردند و پروژه‌های موفق را به ثمر رساندند و مملکت کاملاً به دست مدیران بی‌تجربه افتاد. اکنون شما می‌بینید در مهم‌ترین بانک کشور (بانک ملی) در یک دوره چهارساله،

چهار مدیر عوض می‌شود. وقتی ثبات در سیاست‌گذاری و مدیریت وجود ندارد، مگر سرمایه‌گذاران خارجی دیوانه‌اند که در این جا سرمایه‌گذاری کنند؟ بخش خصوصی از شناور بودن سیاست‌ها می‌ترسد. کسی که زحمت کشیده و با خون دل سرمایه‌ای جذب کرده با وجود سیاست‌های شناور نمی‌تواند سرمایه‌گذاری خوبی داشته باشد.

۴ دولت زمان جنگ هیچ چیز پنهانی نداشت؛ تمام مسائل به مردم گفته می‌شد و مردم نیز اعتمادی متقابل به دولت داشتند. ظرف این سه - چهار سال اخیر، ما به اندازه یک سوم کل درآمد نفتی کشور در عرض سی سال درآمد داشتیم. این پول کجا خرج شده است؟ اطلاعات مربوط به بودجه، ارز، معاملات نفتی و پیمان‌هایی که داده می‌شود، باید در اختیار مردم قرار گیرد. امروز حتی مجلس هم از بسیاری از این قراردادها اطلاع ندارد. در شرایط مبهم که امکان گردش اطلاعات درست وجود ندارد، باید گفت که در واقع یکی از اساسی‌ترین حقوق ملت سلب شده است.

۵ این موضوع که اعتبار گذرنامه ما در بین ۱۹۴ کشور، در رتبه ۱۹۳ است، تکان‌دهنده است و واقعاً به انسان بر می‌خورد. ما احتیاج به تجزیه و تحلیل واقع‌گرایانه

از امور جهان و درک بدون توهم از فرصت‌ها و تهدیدها داریم. بنده به زبان تمثیل می‌گویم، که برای وادار کردن غرب برای دست کشیدن از سیاست‌های مخاصمت‌آمیز، بیش از آن که احتیاج داشته باشیم نیویورک و پاریس و لندن را مجاب کنیم، احتیاج به حضور خردمندان و فعال در اسلام‌آباد و آنکارا و باکو و دوشنبه و ایروان و کابل داریم. آمریکا قدرت بزرگی است و با ما مشکل دارد و می‌خواهد با ما برخورد کند؛ ولی اول با اروپا هماهنگ می‌کند. ما که می‌خواهیم دربارهٔ دنیا عمل کنیم، چه متحدانی داریم؟ ما نه می‌خواهیم و نه می‌توانیم به عنوان جزیره‌ای بدون ارتباط در اقیانوس جهانی زندگی کنیم.

۶ اگر روی کرد سد کردن، بستن و تنگ کردن فضا در پیش بگیریم، باید شاهد از دست رفتن جوانان و بیگانگی آن‌ها با نظام باشیم. فضای امروز کشور فضای عقیمی نیست؛ نیروی جوانی دارد که جهان را بهتر می‌شناسد، و درک قوی نسبت به مسائل دارد. تلقی این که یک جوان یک موجود منفعل است و تنها یک گیرنده است و به ارزش‌های بنیادی یک‌سره بی‌اعتناست، منجر به اشتباهات مهلکی در کشور می‌شود. جوانان سرمایه‌های کشور هستند. باید به مشکلات آن‌ها توجه شود و در عین حال باید به آن‌ها اعتماد کنیم.

۷ مشکل درمان، مسکن، ازدواج، اعتیاد و بی‌کاری وجود دارد. افرادی هستند که دو شیفت و سه شیفت کار می‌کنند؛ زن و شوهرهایی هستند، که هر دو با وجود کار و فعالیت، مشکلات مالی دارند؛ خانواده‌ای هست که فرزندان به سن کار رسیده‌اند، و مشکلات بیکاری، مسکن و ازدواج دارند. این افراد رقم بالایی را در جامعه تشکیل می‌دهند. خدمت به مردم، رسیدگی به این قشرهاست. ما باید در برابر ملت، خودمان را کوچک کنیم و خودمان را به جای ملت قرار دهیم، تا مشکلاتشان را بیشتر حس کنیم.

۸ پروژهٔ امنیت اجتماعی اثرات سوء دارد، و تأمین‌کنندهٔ اهداف نظام ما نیست. همهٔ مسائل اجتماعی با تکیه بر مزیت‌های ما در اعتماد به جوانان و زنان باید تهیه شود، و هر نوع برخوردی که به صورت آمرانه و خشن داشته باشیم، آثار مثبتی نخواهد داشت. بخشی از برخوردها اساساً موضوعیت ندارد و با سوءنیت انجام می‌شود، و این به حساب نظام گذاشته شود. من این گشت‌ها را جمع خواهم کرد.

۹ امروزه کار به جایی رسیده است، که در حالی که برنج کشاورزان روی دست آن‌ها مانده، برنج پاکستانی

و هندی در شمال کشور خرید و فروش می‌شود، و پسته آمریکایی کم کم به بازارهای داخل راه پیدا می‌کند. اکنون می‌توانید حدس بزنید، که در مورد محصولات صنعتی وضع چگونه است!

۱۰ بحث سهام عدالت را باید در چارچوب اصل ۴۴ مطرح کنیم. برداشت من این است، که شیوه اجرایی طرح سهام عدالت، خصوصی‌سازی واقعی را به خطر انداخت. این مسئله جنبه سیاسی هم پیدا کرده است، و یکی از مشکلات ما جمع و جور کردن این مسائل است. در مورد سهام عدالت خبر دارم، که به دلیل این که بخشی از این کارخانه‌ها اصلاً سودآور نیستند، مجبورند از بودجه‌های دیگری استفاده کنند، که رضایتی را برای مردم ایجاد کنند؛ آن هم در آستانه انتخابات، به طوری که اخیراً این مسئله واکنش برخی مقامات رسمی را نیز برانگیخت.

۱۲ هیچ تجربه موفقی در پیش‌رفت و توسعه نداریم، که در آن فعالیت‌های بخش خصوصی اصلی‌ترین نقش را نداشته باشد، و در کنار آن، دولتی توانمند، برنامه‌ریز، سیاست‌گذار، ناظر و توسعه‌گرا نقشی اساسی در فراهم نمودن بسترهای مناسب برای حضور توانمند فعالان اقتصادی خصوصی را



فراهم نکرده باشد. آن چه به عنوان خصوصی سازی در حال حاضر انجام می شود، تثبیت مدیریت غیربهره ور دولتی است. در واقع، آن چه به بخش خصوصی آن هم به طریق نامناسب واگذار می شود، شاید کم تر از ده درصد از ارزش واگذاری ها باشد.

۱۳ من به آزادی کانال های تلویزیونی اعتقاد دارم؛ البته با نظارتی که مشکلات سیاسی یا اخلاقی به بار نیاورد. به باور من، این امر یک ضرورت و نیاز توسعه کشور است، و این موضوع نه عقیده کنونی بلکه باور دیرینه من بوده، که در سال ۶۸ در مجلس بازمینی قانون اساسی، به طور رسمی آن را اعلام کردم.

۱۴ گزارشی معلوم می کند که تیراژ سی دی ها در ایران سی صد میلیون در سال تخمین زده می شود، و حدود دویست بازی کامپیوتری در ماه به کشور وارد می شود. فکر می کنید چه قدر روحانی و مسجد داشته باشیم، که پاسخ پیام این سیل عظیم را بدهند؟ یکی از روی کردهایی که وجود دارد، جلوگیری از ورود هرگونه تغییرات است. عده ای فکر می کنند می توان جلوی این تغییرات را با زور گرفت؛ اما من فکر می کنم باید این اتفاقات و تغییرات را به رسمیت

بشناسیم و آن را واقعی بدانیم، و با استفاده از مزیت های نسبی خود، تا جایی که می توانیم، این ها را مدیریت کنیم.

۱۵ فضای اول انقلاب فضای آزادی بود. شهید بهشتی که از افراد قوی و مؤثر نظام بود، در کنار کیانوری رهبر حزب توده و هم چنین نمایندگان گروه ها و جناح های مخالف، در صدا و سیما بحث می کرد و هیچ احساس کوچکی هم نداشت. مطمئن باشید هیچ جامعه ای از آزادی فکر و اندیشه ضرر نخواهد کرد. تک صدایی هر کجا رفته، باعث ضرر شده است. هیچ کس نمی تواند با مختصر تغییر در لحن خود، جای صداهای دیگران در پایگاه های دیگر را بگیرد.

۱۶ روش ما با نوع کار ستادهای دیگر متفاوت است. ما با پول کار نمی کنیم. اساس کار ما بر این نیست، که با هزینه چند ده میلیارد تومانی در صحنه حضور داشته باشیم. فکر می کنم چاپ و پخش تصاویر بزرگ از کاندیدا در سطح شهر، می تواند حداقل در درازمدت، ذهنیت بدی در میان مردم ایجاد کند. ستاد ما پول های کلان ندارد؛ نمی تواند سر چهارراه ها به مردم کاسه آش بدهد؛ نمی تواند برای رأی جمع کردن به عده ای پول داده، یا کیسه های سیب زمینی در میان مردم پخش کند.

۱۷ دولت‌ها می‌روند و خدمات در کشور باقی می‌ماند. بحث‌های امروز هم به این معنا نیست، که ما از خدمات مدیران کشور، وزرا، کارمندان و آقای رییس‌جمهور چشم‌پوشی کرده باشیم. در این کشور با نیت‌های خوب کارهایی صورت می‌گیرد؛ اما انتخابات است و ما ایراداتی داریم. فکر می‌کنیم نگاه به این ایرادات، امکان تجدیدنظر درستی را ایجاد کند.

۱۸ به نسبت فراوانی زنان تحصیل کرده و توانا، نقش آنان را در جامعه شاهد نیستیم. دلیل این مسئله بیش‌تر از آن‌که به تصمیم‌گیری سیاست‌مداران مربوط شود، به تصور جامعه از نقش زنان بر می‌گردد. در تحول جامعه در این زمینه، هم دولت‌ها نقش دارند و هم بانوان. اگر نقش زنان در جامعه به درستی دیده شود، می‌تواند بسیاری از این بداخلاق‌ها را حل کند.

۱۹ بنده با سهم‌بندی‌های جنسیتی مخالفم، و این مسئله را عامل به وجود آمدن مشکلات بسیاری در کشور و عدم پیشرفت می‌دانم. مشکلات مختلف راه حل دارد و ما برای رفع این مسئله باید تلاش بیشتری داشته باشیم.

۲۰ مردم ما نه می‌خواهند دفاع مقدس را از یاد ببرند، و

نه حاضرند به مقدسات خودشان پشت کنند، و نه حاضرند که در زمینه پرونده‌هسته‌ای به کسی باج بدهند. در عین حال عموم مردم دوست ندارند که در کشور آزادی بیان نباشد، روزنامه‌ها بسته شوند، به جوانان و فرهنگ آن‌ها احترام نگذاریم، یا جامعه فرهنگی خودمان را آن‌چنان که هست نتوانیم درک کنیم. عموم مردم ما هم روی جمهوریت تکیه دارند و هم روی اسلامیت؛ این دو از هم جدایی ناپذیرند.

۲۱ اگر به عزت نفس ایرانی‌ها لطمه بزنیم و مردم را تحقیر کنیم، نمی‌توانیم امید داشته باشیم که عزت نفس ملتمان را برای روزهای سخت ذخیره کنیم. اگر لازم است به مردم کمک شود، این کمک حق مردم است، و نباید انتظار محبت ویژه‌ای از آن‌ها داشته باشیم.

۲۲ بنده قویاً مدافع تک‌همسری هستم و از آن دفاع خواهم کرد.

حامیان انتخاباتی

میرحسین موسوی شخصیتی فراتر از دسته‌بندی‌های سیاسی رایج دارد؛ چنان‌که در کابینه خود نیز وزیرانی از هر دو سلیقه سیاسی رایج زمانه داشت. دوستان نزدیک او به طور سنتی در طیف اصلاح طلب جای می‌گیرند؛ اما او بیش از هر چیز، در ذهن آن‌هایی که او را می‌شناسند، نماینده ارزش‌های راستین انقلاب، و نماینده زمانه امام است.

این ویژگی خاص میرحسین، همراه با شخصیت نجیب و معتدلش سبب شده است که به گواهی سیاست‌مداران باتجربه کشور، کم‌ترین مخالفان را در میان جامعه ما داشته باشد. بنابراین، شاید مهم‌ترین مأموریتی که پیش روی حامیان او قرار دارد، تلاش برای شناساندن اوست، تا کسانی که موضع خاصی نسبت به او ندارند نیز به حلقه حامیان و طرف‌دارانش بپیوندند.

مهندس موسوی سه نوع سازمان‌دهی برای فعالیت هواداران خود پیش‌بینی کرده است؛ به ترتیب زیر:

۱ ستاد مرکزی

این ستاد رسمی میرحسین موسوی است، و به حکم خود مهندس موسوی شکل گرفته است. دکتر بهزادیان‌نژاد رئیس ستاد مرکزی است. این ستاد وظیفه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و پشتیبانی حقوقی از فعالیت‌های انتخاباتی را به عهده دارد. ستادهای استانی زیرمجموعه ستاد مرکزی هستند.

مهندس میرحسین موسوی از ستاد مرکزی خود خواسته است که در جذب منابع مالی دقت کند و هزینه‌های فراوان صرف تبلیغات - چاپ عکس و... - نکند. به همین دلیل، ستاد مرکزی بیشتر به سیاست‌گذاری و بسترسازی برای مشارکت فعالان خواهد پرداخت.

۲ ستادهای مردمی هم‌سو

میرحسین موسوی ترجیح می‌دهد تبلیغات انتخاباتی‌اش را بیش‌تر مردم به‌عهده گیرند، تا عده محدودی که در ستادهای رسمی انتخاباتی او فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، تعدادی از همراهان و علاقه‌مندان او ستادهایی به نام

«ستاد مردمی» پیش‌بینی کرده‌اند، که به صورت غیرمتمرکز و با همکاری عامه طرف‌داران او شکل می‌گیرد. این گروه امیدوار هستند که این ستاد و ستادهای دیگر مشابهی که در سراسر کشور برپا خواهد شد، به دلیل سرعت راه‌اندازی و توسعه، اثر شبکه‌ای و سادگی و صداقت این روش در انتقال پیام، بتواند میرحسین موسوی را به خوبی به مردم بشناساند. شعار ستادهای مردمی همسو این است: «هر ایرانی، یک رسانه».

۳ ستادهای مردمی پیشرفت و تحول

بسیاری از علاقه‌مندان به مهندس موسوی، ستادهایی تشکیل داده‌اند و مستقل از ستاد مرکزی، برای پیروزی او در انتخابات تلاش می‌کنند. بعضی از کارهایی که این ستادها انجام می‌دهند، با فعالیت ستاد مرکزی و زیرمجموعه‌های آن موازی است. این ستادها معمولاً با حضور افراد سرشناس، پرنفوذ و باتجربه شکل می‌گیرد؛ ولی اثر آن‌ها محدود و منطقه‌ای است.

مرکز این ستادهای مردمی، «ستاد مردمی پیشرفت و تحول» نام دارد؛ جایی که عده‌ای از نزدیکان میرحسین موسوی با هویت مردمی خود به حمایت از او پرداخته‌اند.

ستاد مردمی هم‌سو چیست؟

هر ستاد مردمی هم‌سو شامل جمعی از طرف‌داران میرحسین موسوی است، که تلاش می‌کنند اعضای خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان و اطرافیان خود را به مشارکت در انتخابات تشویق کنند و لزوم حمایت از مهندس موسوی را به اطلاع آنان برسانند، و مهندس موسوی و ستاد مرکزی او را از خواسته‌های مردم آگاه کنند.

راه‌اندازی یک ستاد مردمی برای انتقال پیام‌های انتخاباتی به متن جامعه، سازمان‌دهی آرای موافق و پشتیبانی تبلیغاتی، از هر کار دیگر مؤثرتر است. هر فرد یا گروهی که علاقه‌مند به حمایت از میرحسین موسوی است، می‌تواند برای مشارکت در انتخابات، یک ستاد مردمی راه‌اندازی کند. مجموعه این ستادهای مردمی هم‌سو، به تدریج به یک شبکه گسترده تبلیغاتی تبدیل خواهند شد.

به عنوان یک عضو این شبکه و در حقیقت «یک ستاد مردمی هم‌سو» باید به این نکات توجه کرد:

۱ در شبکه ستادهای مردمی، سلسله مراتب نداریم. یعنی همه ستادها در یک سطح تعریف می‌شوند، و فقط به یک دیگر اطلاعات منتقل می‌کنند.

۲ هر ستاد مردمی سه وظیفه مهم دارد:

الف) دریافت به موقع و درست پیام‌های تبلیغاتی؛
ب) انتقال درست و به موقع پیام تبلیغاتی و انجام برنامه‌های تعریف شده؛
پ) تولید و ترویج پیام مناسب تبلیغاتی و ارسال آن در شبکه ستادهای مردمی هم‌سو.

یعنی هر ستاد هم پیام‌رسان است و هم پیام‌ساز. ستادهای مردمی باید به تولید محتوا و پیام اهمیت ویژه‌ای بدهند.

۳ مردمی بودن ستاد، یعنی این که ستاد داوطلبانه و با انگیزه شخصی ایجاد شده است. همه فرآیندها و برنامه‌ها تحت نظر شماست. شما تصمیم می‌گیرید که در محدوده اثرگذاری خود، از چه ابزاری استفاده نمایید.

۴ عدم محدودیت در ستادهای مردمی، اصل مهمی است. ستادهای مردمی آزادند که از همه روش‌های قانونی، در

مقیاس‌های مختلف برای جلب نظر مخاطبان استفاده کنند.

۵ هویت افراد و گروه‌ها با تشکیل ستاد مردمی منافات ندارد. هر کسی می‌تواند هم‌زمان با فعالیت در ستاد مردمی، در هر یک از ستادهای دیگر که هم‌سو با آقای میرحسین موسوی هستند، همکاری نماید.

۶ هماهنگی، اطلاع‌رسانی و درخواست کمک و راهنمایی از سایر ستادها و پایگاه مرکزی ستاد، بسیار مهم است.

۷ سادگی در ستادهای مردمی یک اصل است؛ یعنی شکل‌گیری، انجام برنامه‌ها و انتقال پیام، در نهایت سادگی انجام شود. این یک واقعیت است که هر ایرانی، به تنهایی می‌تواند یک ستاد باشد.

چگونه ستاد مردمی تشکیل دهیم؟

مراحل تشکیل یک ستاد مردمی به این ترتیب است:

۱ مراجعه به پایگاه اینترنتی www.1-irani.com، یا تماس تلفنی با شماره ۲-۶۶۹۷۲۹۹۰ (۰۲۱)، یا ارسال پیامک به شماره ۱۰۰۰۱۳۸۸، یا مراجعه به یکی از ستادهای مردمی هم‌سو.

۲ ارائه اطلاعات زیر:

نام و نام خانوادگی، نشانی پستی، شماره تلفن همراه، توانمندی‌ها و امکانات (به صورت اختیاری).

۳ دریافت کد ستاد مردمی.



وظایف ستاد مردمی

ستادهای مردمی باید وظایف زیر را انجام دهند:

۱ فهرستی از دوستان و آشنایان تهیه کنید، و از آنان دعوت کنید تا به شبکه ستادهای مردمی بپیوندند.

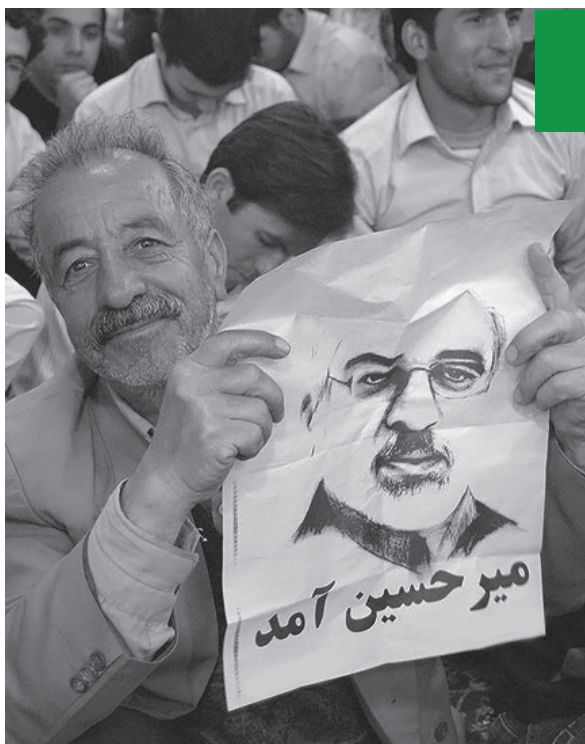
۲ هر روز به پایگاه اینترنتی www.1-irani.com مراجعه کنید، و برنامه روزانه را طبق آن اجرا کنید.

۳ پیام‌ها، نظرات مردم و اخباری که به دست آورده‌اید، از راه پایگاه اینترنتی www.1-irani.com، یا با تماس تلفنی با شماره ۲-۶۶۹۷۲۹۹۰ (۰۲۱)، یا ارسال پیامک به شماره ۱۰۰۰۱۳۸۸ اطلاع دهید.

۴ بسته هویتی و پیام‌ها و اقلام تبلیغاتی که از پایگاه مرکزی ستادهای مردمی به نشانی شما ارسال می‌شود، دریافت و در میان مخاطبان خود توزیع کنید.

۵ کمک‌های مالی جذب کنید - حتی به مقدار کم - و برای پایگاه مرکزی ستادهای مردمی ارسال کنید.

۶ پیام‌های تبلیغاتی مناسب تولید کنید و به دیگران انتقال دهید.



بایدها و نبایدهای ستاد مردمی

لازم است به عنوان کسانی که نسبت به سرنوشت جامعه خود احساس وظیفه می‌کنیم، و با حمایت از میرحسین موسوی به دنبال بهبود شرایط کشور هستیم، در ستادهای مردمی، مصمم به انجام این موارد باشیم:

۱ موازین و اخلاق اسلامی را رعایت کنیم، از اموال عمومی به هیچ وجه استفاده نکنیم و حرمت نهادهای ملی، مانند دولت و مجلس را نگه داریم.

۲ آگاهی عمومی را نسبت به شرایط دشوار کشور و اهمیت تغییر در مدیریت کلان بالا ببریم.

۳ از هر فرصتی برای جلب مشارکت عمومی در انتخابات استفاده کنیم، و فراموش نکنیم که رمز پیروزی، مشارکت بالای مردم است.

۳ به برنامه‌ریزی و عمل به برنامه پای‌بند باشیم. متعهدانه نسبت به انجام کارهای ستاد خود اقدام کنیم و برای آن وقت بگذاریم. تلاش کنیم که شبکه فعالیت و توانمندی‌های ستاد خود را گسترش دهیم.

۴ فراموش نکنیم که پیروزی، در سایه گسترش موافقان، اشاعه نظرات و قانع شدن مخاطبان محقق می‌شود. بنابراین، از تخریب دیگران، بحث‌های اضافی و نشان دادن تعصب بی‌مورد، پرهیز کنیم.

۵ ارتباطات مؤثر نقش بی‌نظیری در پیروزی ما دارد. لازم است این ارتباط با پایگاه مرکزی ستادهای مردمی، همراهان، مخالفان و مخاطبان کاملاً حفظ و مراقبت شود. هر روز باید با پایگاه مرکزی ستاد و سایر گروه‌ها، ارتباط فعال داشته باشیم.

۶ از سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ستاد مرکزی و پایگاه مرکزی ستادهای مردمی آقای میرحسین موسوی پیروی کنیم.



اطلاعات ضروری

۱ ستاد مرکزی میرحسین موسوی:
تهران، خ فاطمی، خ جویبار، خ میرهادی. تلفن
۸۸۹۲۴۶۰۷ (۰۲۱)

۲ دبیرخانه ستادهای مردمی هم‌سو:
تهران، خ انقلاب، خ فخر رازی، نبش خ شهدای
ژاندارمری، شماره ۶۵. تلفن: ۶۶۹۷۲۹۹۰ (۰۲۱).
ارسال پیامک: ۱۰۰۰۱۳۸۸

۳ اعلام روزانه برنامه‌های ستادهای مردمی (پیامک‌های
تبلیغاتی، پوسترها، عکس‌ها، بروشورها و اخبار ستادهای
مردمی روزانه تولید و در این پایگاه منتشر می‌شوند):
www.1-irani.com

۴ اطلاع‌رسانی ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی:
www.ghalamnews.ir

۷ از راه ارائه بازخورد اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های
خود، در اصلاح روش‌ها و بهبود عملکرد ستادهای مردمی
مشارکت کنیم.

۸ و بالاخره این‌که، هر روز برای موفقیت میرحسین موسوی
و سربلندی ایران عزیز یک کار انجام دهیم.

۵ اطلاع‌رسانی دیدگاه‌های میرحسین موسوی:

www.kalemeh.ir

روزنامه‌های «اندیشه نو»، «کار و کارگر» و «آرمان»،
و ویژه‌نامه روزانه «جهان اقتصاد» (در روزنامه‌فروشی‌ها
عرضه می‌شوند)